

رویکردی فرهنگی جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی با مداخله‌ی دانشگاه آزاد اسلامی

(صفحات ۱۴۳ تا ۱۶۷)

فرهاد امام جمعه^۱

پذیرش: ۹۷/۰۵/۳۱

دریافت: ۹۷/۰۳/۰۵

چکیده

در این مقاله که بر اساس پژوهشی بنیادی تنظیم شده با هدف ایجاد خدمات مثبت، پویا و مداخله‌گرانه‌ی دانشگاه‌ها در جهت تعدیل آسیب‌های اجتماعی، که در کلان شهرها در حال افزایش و ایجاد نگرانی‌ها و اختلالات بسیار عمده در زندگی مردم شده، تلاش شده تا فضایی خودآگاه و دارای نقشه‌ی راه به‌منظور، کاهش آسیب‌ها فراهم شود. متأسفانه گسترش آسیب‌های اجتماعی و نابسامانی‌های روانی و ضداخلاقی آن بر هویت فرهنگی نسل جوان، آرامش و تعادل نهادهای پایداری مانند خانواده و تعلیم و تربیت را تهدید می‌کند. نتیجه آن که با ملاحظه قسمت نهایی این مقاله بتوان از دامنه‌ی ابهام در بحث مداخله‌ی فرهنگی دانشگاه جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی کاسته و نیز روحیه‌ی خودآگاه جمعی و عاری از بی‌تفاوتی در کنش‌گری مدیران اجرایی دانشگاه‌ها به ویژه در مرکز مهم استانی فراهم شود؛ تا واحدهای دانشگاهی بتوانند با آگاهی از راهبردهای روشن حقوقی، جامعه‌شناسی و فرهنگی، الگوهای کارکردی و انسجام دهنده‌ای برای کاهش سندرم آسیب‌های (اجتماعی) نگران‌کننده و ملتهب جامعه‌ی شهری، عرضه نموده، و فضای گفتمانی نوآور و

۱. استادیار جامعه‌شناسی (فرهنگ و توسعه) و هیات علمی پژوهشکده مطالعات میان فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی؛
F.emamjome@yahoo.com

رویکردی فرهنگی جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی با مداخله‌ی دانشگاه آزاد اسلامی.....

پویا و استقبال‌کننده‌ی علمی را برای جذب نظرها و روش‌های نوین فراهم شود. امید است این کوشش، مبنایی برای انجام گفت‌وگوهای پژوهشی و کاربردی در مناطق بومی کشور با مشارکت دانشگاه و هماهنگی نهادهای دولتی مانند بهزیستی، نیروی انتظامی، فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر سازمان‌های اجرایی مربوط انجام باشد.

واژگان کلیدی: چالش‌های میان‌فرهنگی، تحلیل جامعه‌شناسی، خدمت دانشگاه، آسیب‌های اجتماعی.

مقدمه

جامعه و شهر سالم^۱ به معنایی که فضای زندگی جمعی مردم با چالش و فشارهای بحران‌زا و تلخ و نگران‌کننده‌ی آسیب‌های اجتماعی مواجه نباشد، موضوع و غایت نظر بسیاری از بزرگان اندیشه و صاحب‌نظران اجتماعی بوده و هست. برای این که دچار افکار آرمانی انتزاعی نشده، باید سوالات مربوط به موضوع را مطرح نمود تا ابعاد متفاوت آن با روشنی بیشتری بیان شود. چگونه می‌شود در بازسازی و توسعه‌ی سلامت اجتماعی جامعه‌ی شهری اقدام کرد؟ با این هدف که شاهد علائم آشکاری از رونق مشارکت اجتماعی و گروه‌های فعال شهر در جهت سلامت محیط عمومی و نیز نظارت خودآگاه بر کاهش آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، طلاق، خشونت‌های واکنشی و غیراخلاقی باشیم.

چرا در این خصوص، قوانین آموخته شده و حمایتی نداشته و یا اگر هست تجلی فعالی در کنش کارگزاران مسئول ندارد. آیا می‌توان گفت: جامعه شهری، از این لحاظ مشکل فرهنگی^۲ دارد؟ جامعه‌ی شهری که به نظم و انضباط به‌لحاظ اجتماعی در ابعاد گوناگون مانند تقسیم کار اجتماعی، ساختارهای دانشی، آموزشی-عقلانی، درک و رعایت حقوق مدنی و شهروندی، مدیریت اجرایی و غیره عجزین شده باشد، دامنه و فشار آسیب‌های اجتماعی در آن بسیار محدود است. چرا میان نظم و انضباط شهری با رفتار فرهنگی مردم، گسل و فاصله اتفاق افتاده است.

محدودیت در اطلاع‌رسانی گسترده و ضابطه‌مند و فقدان قوانین مناسب جهت اقتصاد، امنیت، و رفت و آمد شهری، گذران اوقات فراغت و غیره آیا ریشه در سطح توان کارشناسی و فرهنگی مدیران ندارد؟ چگونه است که بسیاری از فرصت‌ها، زمان و منابع را هزینه می‌شود ولی به سوی رهایی از هجمه‌ی آسیب‌های فضای اجتماعی و محیط زیست شهری تدبیر موثری اتفاق نمی‌افتد. این مسائل نشان می‌دهد که هنوز به بلوغ و آمادگی در مدیریت فرهنگی شهرها دست نیافته و دانشگاه در این میانه مشارکت خلاق و خدمت‌گذاری را نتوانسته ارائه کند.

1. Healthy city
2. Cultural problem

چرا مدیران شهرداری‌ها و معماران و سازندگان مبلمان شهری برای طرح‌های عمرانی مانند: توسعه فضای سبز، معابر عمومی، ساختمان‌سازی‌های امن و هویت بخش بومی و جنبش و پویایی ندارند. دانشگاه‌ها در این عرصه چگونه می‌توانند مداخله و نقش آفرینی نمایند؟ اظهارنظر درباره سوالات بیان شده، تأییدکننده‌ی آن است که شرط اساسی توسعه‌ی شهرهای معاصر ما احیاء فرهنگ عمومی مردم و فرهنگ کار تخصصی کارگزاران اجرایی می‌باشد.

چرا در بسیاری از گروه‌های فعال شهر آن همبستگی جمعی^۱ مورد نیاز برای جلب و جذب برنامه‌ها و ویژه‌ی توسعه اجتماعی^۲ و سلامت عمومی^۳ کمتر به چشم می‌خورد. چرا مردم علی‌رغم این که پیوندهای زیادی با هم دارند ولی آن روحیه‌ی پویا و بارز برای بهبود وضعیت زندگی در همبستگی با همدیگر را ندارند. امروزه در بسیاری از شهرها، انواع و اقسام انجمن‌های فرهنگی و سازمان‌های غیردولتی هم شکل گرفته اما آن گرمای سرمایه اجتماعی^۴ که همه در برابر جریان‌ها و مخاطره‌ی آسیب‌های اجتماعی منطقه و شهرشان، احساس مسئولیت و همبستگی اجتماعی^۵ نمایند، دیده نمی‌شود.

بسیاری از مردم و نسل جوان، روحیه‌ی امانت داری^۶ را که یکی از مهم‌ترین ارکان سرمایه اجتماعی است، نیاموخته‌اند. حال آن که با آموزش و درونی شدن^۷ فرهنگ امانتداری است که شهر و سلامت همشهریان، حفظ سلامت و آرامش روحی‌شان چون سرمایه‌ای از خود تلقی می‌شود. تجربه نشان داده است که اگر مردم، سوژه یا چیزی را از خود ندانند و با آن احساس یگانگی^۸ و پیوند روحی و فرهنگی نکنند، نمی‌توانند در انجام وظایف و ایفای نقش‌های کارآمد و موفق، پیش‌تاز و هماهنگ باشند. افزایش فاصله‌های اجتماعی^۹ ضمن کاهش شدید همبستگی گروهی

1. Collective solidarity
2. Social Development
3. General health
4. Social Capital
5. Social Solidarity
6. Bailment
7. Internalize
8. Unity
9. Social Spaces

بر روی کیفیت زندگی^۱ شهری و کار برای توسعه و بهداشت اجتماعی مردم تاثیر منفی جدی می‌گذارد.

آیا این باور^۲ هست که جهت کاهش آسیب‌ها در محل‌های شهری می‌باید پیشقدم شده و یک‌نوع همگامی گروهی ایجاد بشود؟ آیا در فرهنگ جاری زمینه‌ها و الگوهایی^۳ وجود دارد که مناسبات جمعی و همبستگی اجتماعی را تقویت کند. آیا در محیط شهر و خانه، احساس قرار و آرامش دیده می‌شود یا هنوز این روحیه درونی و فرهنگی نشده است؟ در انبوه این چالش‌ها و مسائل، می‌توان خط و نشان فرهنگ عام و خاص مردم را در لایه‌های اجتماعی گوناگون مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

دانشگاه آزاد اسلامی چه خدمات موثر و مثبتی را در جهت کاهش و کنترل آسیب‌های اجتماعی بحران‌زا و ویران‌گر می‌تواند ایفاء نماید. از این رو هدف مقاله، گشایش فضای مطالعاتی در حوزه خدمات علمی فرهنگی می‌باشد.^۴ انشاءالله در این راه، توشه‌ی وسعت معرفت و دانش مورد نیاز و خدمت رسان فراهم شود.

۱. ادبیات پژوهش

طی بررسی انجام شده، ماخذ مستقیمی که به طور معین همانند موضوع این مقاله را کار کرده باشد به ندرت مواجه شده، ضمن این که سوابق مقالات پیشین علاوه بر گذر زمان از ادبیات نوشتاری و ویرایش محتوایی متفاوتی برخوردارند. بخشی از نوشته‌های گذشته ریشه در همایش‌های کوتاه مدتی بوده که از سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ توسط دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دولتی از شوشتر خوزستان تا یاسوج کهگیلویه و دماوند و نیز همایش‌های تخصصی که به طور عام توسط انجمن جامعه شناسی ایران در باره آسیب‌های اجتماعی کشور برگزار شده‌اند.^۵ در عمده این همایش‌ها مقالات متعددی

1. Quality of Life

2. Belief

3. Patterns

۴. مهم‌ترین ضرورت این بحث، کاهش بحران‌ها و تنش‌هایی است که در اثر گسترش آسیب‌های اجتماعی بر ضد زیست بوم فرهنگی جامعه‌ی شهری ما نقش اساسی را بازی می‌کند. با ارائه‌ی این گونه مقالات و اجرای طرح‌های پژوهشی مورد نیاز، و تاثیر فضای گفتگویی آن، راهکارها و راهبردهای ارزنده و بومی جهت ارتقاء آگاهی حرفه‌ای کارگزاران اجرایی و بسیاری از مسوولان حوزه‌ی مشارکت اجتماعی فراهم گردد.

۵. گزارش این همایش‌ها در سیویلیکا و در گوگل موجود است.

ارائه و منتشر شده اما، شکل مسائل و چالش‌هایی که در این مقاله مد نظر هست، مطرح نشده است. زمان بازتاب و کارکرد همایش‌های منطقه‌ای و ملی به سر رسیده و بهتر است صاحب‌نظران مسوول به فکر ارائه الگوهای راهبردی جهت مدیریت تعدیل آسیب‌های اجتماعی ویران گر باشند. در ادامه چند منبع مرتبط انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱-۱. ادبیات تجربی

۱- زرین آبادی (۱۳۹۰)، نقش دانشگاه آزاد اسلامی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی؛ ارزیابی نقش دانشگاه به عنوان پیکره عظیمی از آموزش عالی کشور در خصوص کاهش آسیب بسیار مهم است. هدف از این تحقیق نیز در راستای این مهم است. استفاده از سرمایه اجتماعی افراد، راه حل مناسب و موثری برای کاهش جرم، افزایش غیر رسمی کنترل‌های اجتماعی، افزایش همکاری و مشارکت شهروندان در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و افزایش درک متقابل شهروندان و مسئولین می‌باشد. این تحقیق به روش پیمایشی و توصیفی به منظور سنجش نقش دانشگاه آزاد اسلامی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی انجام شده است. جامعه آماری، دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی واحدهای اهواز و علوم و تحقیقات خوزستان مستقر در شهر اهواز که دو مقطع تحصیلی آن‌ها در دانشگاه آزاد اسلامی بوده است، انتخاب گردیدند. با استفاده از فرمول کوکران تعداد نمونه ۱۲۰ نفر تعیین گردید. نتایج حاصل در خصوص نقش دانشگاه در کاهش آسیب‌ها نظیر عدم آگاهی اجتماعی، عدم اعتماد اجتماعی و عدم هویت اجتماعی در سطح مهم مشاهده شد. ۷۵ درصد از جامعه مورد مطالعه در شرایط فعلی نقش دانشگاه آزاد اسلامی در سطح شهرستان اهواز در خصوص کاهش آسیب‌های اجتماعی از متوسط تا بسیار مهم ارزیابی نمودند.

۲- محسنی (۱۳۷۵)، در پژوهش «بررسی آگاهی‌ها، رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران»، به بررسی برخی شاخص‌های سرمایه اجتماعی در ایران می‌پردازد. در بررسی فوق به طور مشخص، دو متغیر روابط اجتماعی و میزان اعتماد به هموطنان بدست آمد. که روابط اجتماعی عموماً تشکل یافته و قراردادی است و در قلمرو فرهنگ عمومی جامعه وارد نشده است. به علاوه، از متغیر نگرش به هموطنان به عنوان شاخصی برای

میزان اعتماد استفاده می‌شود. در این پژوهش، شکاف بین نخبگان و توده مردم در خصوص این نگرش سنجیده شده است، که سطح تحصیلات، عامل اصلی و تعیین‌کننده‌ی تفاوت میان نخبگان و مردم تلقی شده است. در تمام قضاوت‌های مربوط به فعال بودن، تکرو بودن، تنبل بودن، پایبند بودن به اخلاق، متقلب بودن و خودخواه بودن هموطنان، گروه تحصیل کرده نسبت به عامه مردم، قضاوت منفی تری درباره هموطنان خویش داشتند.

رویکرد فرهنگی در تحلیل و تبیین آسیب‌های اجتماعی، مسبوق به سابقه علمی است، و بحث از حالت سلیقه‌ای و یا ایدئولوژیک برخوردار نیست. هر قدر که مردم نگاه منفی، و فردگرایی افراطی نسبت به هم داشته باشند احتمال همگرایی، انسجام و اتحادشان برای اصلاح مسائل و کاهش آسیب‌های اجتماعی در شهرها به لحاظ سازمانی و یا گروه‌های کار و شغل، کاهش جدی یافته و تقلیل پیدا می‌کند. بنابراین نگرش‌ها و دیدگاه‌های ذهنی-فکری مردم نسبت به هویت مدنی و شهری و شهروندی خود و همشهریان شان تا زمانی که تغییر پیدا نکند امکان آن که بسیج اجتماعی برای کاهش و تعدیل آسیب‌ها در جامعه محقق بشود لغو گردیده و منتفی به نظر می‌رسد.

۳- وزارت فرهنگ و ارشاد (۱۳۷۹)، در پژوهش «پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، به بررسی اعتماد اجتماعی شخصی و اعتماد تعمیم یافته به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی در ایران پرداخته که نتایج زیر به دست آمد: در حوزه شبکه‌های غیر رسمی بیشترین اعتماد معطوف به خانواده است و از این لحاظ خانواده تفاوت زیادی با سایر عناصر این شبکه نظیر خویشان و دوستان دارد. گروه‌های اجتماعی معلمان، استادان دانشگاه و پزشکان از بیشترین میزان اعتماد در نزد مردم برخوردار بوده و گروه‌های اجتماعی بنگاه دارها، کسبه و روزنامه نگاران از کمترین اعتماد اجتماعی برخوردار هستند.

به نظر می‌رسد گزارش این سابقه در برخی برنامه سازی‌های فرهنگی دانشگاه بسیار مفید و با اهمیت است. هر قدر خانواده‌ها و توجه به (ارتقاء آگاهی) قوام و دوام خانواده از لحاظ روحیه و باورهای مردم مورد توجه و اولویت قرار بگیرد و نیز دلگرمی و ارتقاء مشارکت فرهنگی استادان با حریم کار و هویت فرهنگی فراهم بشود، توان

دانشگاه در انسجام بومی و محلی در شهرها برای کاهش و تعدیل آسیب‌های اجتماعی دوصد چندان می‌شود.

۴- فیروزآبادی (۱۳۸۴)، در پژوهش «بررسی سرمایه اجتماعی در ایران و راه‌های ارتقاء آن» که در شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام شده است به تعریف مفهوم سرمایه اجتماعی از نگاه صاحب‌نظران، شرح تاریخچه مفهوم سرمایه اجتماعی، بررسی ادبیات سرمایه اجتماعی در ایران و سایر کشورها، چگونگی سنجش مفهوم سرمایه اجتماعی، شرح و بسط چگونگی وضعیت سرمایه اجتماعی در کشور و راه‌های ارتقاء آن و مقایسه با سایر کشورها، پرداخته است. نتایج به دست آمده به قرار زیر است: تعهد دینی، همبستگی مستقیم و مثبت بر سرمایه اجتماعی در ابعاد ذهنی- شناختی یعنی اعتماد عمومی و نهادی و در ابعاد رفتاری- مشارکتی، انواع مشارکت رسمی و غیر رسمی دارد. «تحصیلات» نیز از سایر عوامل مؤثر تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی می‌باشد و رابطه آن با عناصر مفهوم سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد عمومی، نهادی، آگاهی و توجه و مشارکت رسمی همبستگی معنادار مستقیم دارد. «مشارکت رسمی یکی از اعضای خانواده»، نیز با سرمایه اجتماعی رابطه معنادار و مثبت دارد. «میانسالان»، با میانگین سنی ۵۱ سال نسبت به جوانان با میانگین سنی ۲۵ سال از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند. «غیرمهاجرین»، نسبت به مهاجرین از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند. «مردان»، به نسبت زنان از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند اما در عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی، سطوح اعتماد عمومی و نهادی و مشارکت‌های غیررسمی همیارانه در بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد. آگاهی و توجه و مشارکت‌های رسمی مردان به طور معناداری از زنان بیشتر می‌باشد. «دین باوری»، که از شدت ضعیف‌تری نسبت به تعهد دینی برخوردار است، بر روی سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت دارد و با عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد نهادی، مشارکت‌های غیررسمی خیریه‌ای، مذهبی و همیارانه رابطه معنادار مثبت دارد.

باز به اهمیت و اولویت رویکرد فرهنگ دینی پی می‌بریم: هر قدر که تقید به ارزش‌های معنوی دینی پایین‌تر باشد بی تفاوتی نسبت به تراکم و بحران آسیب‌های اجتماعی بیشتر می‌شود؛ و یا تحصیلات، که هر میزان کمتر باشد به ویژه تحصیلات کیفی و برخوردار از کارآیی - اگر ضعیف و نارسا باشد اندیشه و تفکر سلیم برای حل مسائل

زندگی به خصوص آسیب‌های اجتماعی از کار افتاده و غیرفعال است. با این انفعال و عدم کارآمدی چگونه می‌توان انتظار داشت جامعه و ساختارهایی مانند دانشگاه نسبت به حل و کاهش آسیب‌ها در شهرها مشارکت خلاق و مسوولانه‌ای را ایفاء نماید. به تدریج به ملاحظات مهم بحث می‌رسیم که چگونه فرهنگ و اختلالات کارکردی اگر به درستی شناسایی و آسیب‌شناسی نشود و مورد مدیریت اصلاح و احیاء و بازنگری قرار نگیرد چه فشارها و عوارض زیان‌بار مهمی را به بار می‌آورد. به علاوه می‌بینیم چه ارتباط عمیق و دقیقی میان زمینه‌ها و جریان‌های فرهنگی با نرخ سرمایه‌ی اجتماعی وجود دارد.

۵- موسسه کنشگران داوطلب (۱۳۸۴)، در پژوهش «میزان سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی»، به سنجش میزان شاخص‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد به دیگران، مناسبات اجتماعی، فعالیت‌های نوع دوستانه و داوطلبانه و شبکه‌های مشارکت) در ۶ مرکز استان شامل تهران، تبریز، اهواز، یزد، مشهد و رشت پرداختند و به نتایج زیر دست یافت: ترتیب شهرها بر حسب میزان اعتماد به دیگران در رتبه اول تبریز، سپس اهواز، مشهد، یزد، رشت و تهران، بر حسب میزان مناسبات اجتماعی در رتبه اول اهواز، بعد یزد، تبریز، رشت، تهران و مشهد، بر اساس فعالیت‌های نوع دوستانه و داوطلبانه در رتبه اول تبریز، دوم مشهد، یزد، اهواز، تهران و رشت، بر اساس شبکه‌های مشارکت اول اهواز، و به ترتیب تبریز، رشت، یزد، تهران و مشهد. به طور کلی ترتیب شهرها بر اساس سرمایه اجتماعی به ترتیب شهرها شامل اهواز، تبریز، یزد، مشهد، رشت و تهران است. به عبارت دیگر پایتخت ایران تهران دارای کمترین میزان سرمایه اجتماعی است.

خبر کارشناسی فوق برای کارورزان آگاه و فعال فرهنگی و مدیریتی دانشگاه آزاد اسلامی مهم و قابل ملاحظه است که در چه ساختارها و مجموعه‌هایی از شهرهای بزرگ کشور می‌باید با حساسیت و مسئولیت به مراتب بیشتری کار کنند تا بتوانند قدم‌ها و گام‌های موثر اصلاحی در خدمات فرهنگی و اجتماعی دانشگاه برای تعالی نظام بردارند. ۶- اسلامی (۱۳۹۱)، در پژوهش خود به بررسی شبکه‌های اجتماعی و تأثیرات آن‌ها بر ابعاد مختلف زندگی پرداخته و به نتایج ذیل رسید:

شبکه‌های اجتماعی مجازی نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی هستند که با اینکه عمر خیلی زیادی ندارند، توانسته‌اند به خوبی در زندگی مردم جا باز کنند. مردم

بسیاری در سنین مختلف و از گروه‌های اجتماعی متفاوت در شبکه‌های اجتماعی مجازی کنار هم آمده‌اند و از فاصله‌های بسیار دور در دنیای واقعی، از طریق شبکه‌های اجتماعی با هم ارتباط برقرار می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی نقش پررنگی در دنیای امروز دارند و نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. این سایت‌ها بر ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی افراد و در سطح کشورها و حتی بین‌الملل تأثیرگذارند و به همین دلیل در حال گسترش هستند و در آینده نقش به مراتب بیشتر و مهم‌تری را در زندگی بازی خواهند کرد.

با این وصف، دانشگاه آزاد اسلامی و فضای روشنگر و فعال فرهنگی آن چه اهتمام بلیغ و پویایی در فضای مجازی به منظور ایجاد انسجام کیفی مدیران و کارگزاران دانشگاه و نظام اجرایی شهرهای فعال کشور شکل گرفته تا جهت ارتقاء و گسترش مشارکت به منظور کاهش آسیب‌های اجتماعی ایفاء نقش نمایند. به نظر می‌رسد این گونه تلاش‌های ویژه‌ی کیفی و علمی در قلمرو فضای ارتباطات مجازی و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی به ندرت انجام شده در حالی که عرصه‌ی خلاق و پویایی برای تاثیرگذاری در خدمات فرهنگی-اجتماعی است. امروزه بسیاری از خانواده‌ها، دانشجویان و مدرسان و کارکنان و مدیران دانشگاه‌ها و غیره عادت به مصرف اطلاعات اینترنتی پیدا کرده‌اند؛ هرچه در این زمینه کار بیشتر و گسترده بشود می‌توان در فضای فکری و اخلاقی و همکاری مخاطبان رسوخ نموده و اقدام‌های ارزنده‌ای انجام داد.

امام جمعه (۱۳۹۱)، گزارشی با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی آسیب‌ها و تهدیدهای موثر بر مدیران فرهنگی استان مرکزی»، نشان داده که چگونه و بنابر چه دلایل قابل تبیینی، مدیران اجرایی حوزه‌ی فرهنگ و جامعه از هویت کار خود دچار فاصله و بیگانگی شده و نمی‌توانند در برخی از شرایط نقش آفرینی مثبت و سازنده را ایفاء نمایند؛ و چه باید کرد که آن آسیب‌ها را به فرصت تبدیل شده تا از بی تفاوتی و ناکارآمدی مدیران فرهنگی کاسته شود.

۷- معمار (۱۳۹۱)، در پژوهش «شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت»، به جنبه‌های بحران زای این فرایند تأکید کرده و یکی از آثار فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی را در جوامع، به خصوص جوامع در حال گذار، ایجاد بحران هویت ملی و دینی می‌داند. یافته‌ها نشان می‌دهد که براساس یک تقسیم‌بندی نسلی، نسل سوم بیشترین کاربران فضای مجازی

در ایران بوده و بیش از نسل‌های دیگر در معرض آثار ناشی از شبکه‌های اجتماعی مجازی‌اند. فضای مجازی نوعی از بحران هویت را در میان طیف گسترده‌ای از جوانان به وجود آورده و این بحران هویت در زمینه‌های فردی، نا همگونی‌های هویتی را سبب شده و به نحوی تعادل اجتماعی را متأثر کرده است. همچنین شبکه‌های اجتماعی مجازی، باعث تغییرات اساسی در نهادهای هویت‌ساز شده‌اند و عوامل معنا‌ساز هویتی را دستخوش تغییر نموده‌اند.

باری این‌گونه برداشت‌ها و تحلیل‌ها در ارتباط با موضوع اصلی و کنونی، اعتبار جامعی نداشته و جای تجدیدنظر دارند. زیرا برخی از یک سو یک نوع رویکرد افراطی منفی نسبت به بهره‌وری از تکنولوژی رسانه در جهان مدرن را که از آن‌گریزی نیست، تلقین می‌کند. این برداشت‌ها گاه ریشه در القانات کلیشه‌ای سنتی برخی سنت‌گراها و یا ترس و فوبیای ناشی از حضور تکنولوژی داشته و نتیجه‌ای جز ایجاد بحران و فقر فرهنگ سواد رسانه‌ای را باخود به همراه ندارد. از این منظر جای تردید و تجدیدنظر دارد.

بدون شک مطالعه‌ی بیشتر و تحلیل ثانویه‌ی منابع ادبیات مطالعاتی می‌تواند ایده‌های تکمیلی جهت تصدیق و تأیید موضوع اصلی فراهم بیاورد ولی فضای مقاله برای این گونه نقد و بررسی‌ها محدود است و بیش از این مقدور نیست. اما در ادامه ضرور است به ادبیات و الگوی نظری بحث پرداخته شود.

۱-۲. ادبیات نظری

نظر به جنس عناصر تاکیدی که در بیان مسأله مطرح شد می‌باید از الگوهای نظری و تلفیقی ذیل استفاده‌ی راهبردی بشود:

۱. تفسیر‌گرایی^۱ جامعه‌شناختی؛ زیرا با مشارکت خودآگاه^۲ و ذهنیت فرهنگی مردم و قشر فعال دانشگاهی، و به علاوه، درک از حقوق و یا انگیزه به استقبال از نظم و انضباط اجتماعی و غیره یا مقوله‌ی فقر تدبیر جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی

1. Interpretationism

۲. خودآگاهی، مقوله‌ای است که با هر درجه‌ای در میدان انگیزش و تفسیر‌کنشگران اجتماعی جای گرفته و قابل بررسی و تحلیل بیشتر می‌باشد.

سروکار داریم. همه‌ی این موارد به دلیل تفسیر سطح و مرتبه‌ی آگاهی کنش‌گران به ویژه کارگزاران اجرایی و آموزشی دانشگاه‌ها قابل ملاحظه می‌باشد. برای نمونه هر چه حس بیگانگی و بازتاب آن، که تنهایی است در بین افراد بیشتر شود بر احتمال تحقق اجتماع رهاشده^۱ و مبتلای آسیب‌ها افزوده می‌شود. هر گاه در بین نیروهای اجرایی یک دانشگاه و مدیران یک مجموعه‌ی بزرگ شهری، انگیزه‌ی بیگانگی و همگرایی و همزبانی نباشد، چگونه می‌توان انتظار داشت که انسجام توانمندی برای آسیب‌های اجتماعی در جامعه به وجود آید. اگر کاهش بیگانگی و تنهایی به عنوان یک الگو در ساختار و روحیه‌ی اخلاقی کارگزاران یک جامعه نهادی و درونی بشود احتمال آن که دانشگاه بتواند نقش توانایی در کاهش آسیب‌های اجتماعی جامعه‌ی شهری ایفاء نماید بیشتر می‌شود. قوه دید و بیداری اشخاص بسیار مهم است. هر قدر هنجارهای زندگی جمعی به گونه‌ای باشد که قوه‌ی دید و فهم و نیز ارزش زندگی انسانی را بکاهد این مسأله یا فقر فرهنگی زمینه‌ی اساسی برای بیگانگی و بی تفاوتی در برابر آسیب‌های اجتماعی مجموعه‌های زندگی شهری است. بنابراین نیرو و درجه‌ی فهم افراد بسیار جریان ساز و تعیین کننده است. شناخت و آگاهی از این امر در نمادهای عینی و نامادی، گفتاری و کرداری به مقتضای منطق تفسیرگرایی در مناسبات متقابل نمادی اعضاء گروه‌های مورد نظر است که فراهم می‌شود؛ و خارج از این راهبرد علمی، راه دیگری ندارد. بحران فرهنگ با تنزل قوه دید و فهم افراد، واز پی آن، تنزل حیات انسانی، عوارضی بسیار مهیب‌تر از بحران پول و نفت ایجاد می‌کند. (محسنی، ۱۳۸۶) حال تا چه اندازه در باره ارتقاء قوه‌ی دید و فهم کارگزاران و گروه‌های هدف که در قلمرو مسایل و آسیب‌های اجتماعی اند کار شده و به عبارتی تا چه اندازه و چه برنامه‌هایی، دانشگاه‌ها در این میان، سر رشته‌ی کار را بدست گرفته‌اند؛ بسیار می‌تواند در تحلیل کاستی‌ها و محدودیت‌ها و نیز گزینش عرصه‌ی خدمت و پیشرفت به کار آید.

۲. مکتب ساختی-کارکردی جهت بیان مولفه‌هایی برای ساختارهای مورد نیاز در مدیریت فرهنگی-اجرایی شهرهای مورد نظر برای نمونه از منظر پارسنز^۲ وقتی نظم و انسجام

1. Abandoned community
2. Parsons, Talcott, 1902-1979

زندگی جمعی در اثر افزایش میزان ناهنجاری، کاهش پیدا کند، بر حجم و شدت آسیب‌های اجتماعی در جامعه‌ی شهری افزوده می‌شود. بنابراین، ناهنجاری در شرایط خاص فرهنگی و الگوهای ثابت و نهادی آن در جامعه ریشه دارد. دیزرتوری^۱ از منظر پارسنزیان می‌کند که: میزان معینی از بی‌هنجاری، به ضرورت با هر نوع نظام اجتماعی، شخصی، و فرهنگی ملازمه دارد. عکس‌العمل‌های افراد به صورت‌های نگرانی، تشویش، و پرخاشگری، ظاهر می‌شود. (محسنی، ۱۳۸۶؛ ۵۷ به نقل از: Disertori, 1976) برخی مناسبات فرهنگی به گونه‌ای است که به جای روح ارتباط انسانی، تعاون و همیاری بیشتر گرایش به جدایی، تفکیک و برچسب زنی و تهدید دارد. چنین نظام‌های اجتماعی خواه در منظومه‌های سازمانی و یا اجتماعات محلی-بومی شهری، نمی‌تواند در جهت کاهش و تعدیل آسیب‌های اجتماعی، زمینه‌ی نقش‌های مثبت و موثری را فراهم نماید. به عبارت دیگر ساختار این گونه جوامع، مقتضی کارکرد نابسامانی بر علیه آرامش، تعادل و سلامت روانی مردم است؛ و ناگزیر افراد را به سوی عوارض رفتار انحرافی و مخرب، سمت و سوق می‌دهد. از این رو ساختار فرهنگی نامتناسب با توجه به مختصات و ابعادی از الگوهای ناسالم و عادت شده‌ی رفتاری، زمینه‌ی بسیار موثری برای گسترش آسیب‌های اجتماعی و بی‌پناهی مردم می‌شود. با این وصف نباید که از کارکرد بینش‌پاسا ساخت‌گرایی غفلت و بی‌توجهی ورزید.^۲

باری، هویت علمی بحث آن است که فرهنگ یک پدیده‌ی مستقل و پرفشاری است که متاسفانه در ایجاد و گسترش عوارض بدخیم اجتماعی موثر و جریان ساز است. (امام جمعه، ۱۳۹۵) از این رو فرهنگ، موضوعی است که می‌باید با روش و جنس رویکرد مطالعات فرهنگی، مورد مطالعه، تحلیل و ارزیابی قرار بگیرد. ای بسا که بتوان با الگوهای کاربردی و عینی از جنس ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، نشر برخی

1. Disertori

۲. طبق بینش‌پاسا ساخت‌گرایی، منظومه‌های ساخت‌گرایان، آن قدر هم سامان‌مند و انعطاف‌ناپذیر نیستند. ساختارها اگرچه فرآورده‌ی ذهن منطقی هستند ولی با واقعیت سیال، پرتکاپو و بالنده سازگار نیستند. از این رو ما در فضای مسدود ساختارها محبوس نیستیم بلکه آینده، امکانات بیکران و بی‌حدی در اختیار ما قرار می‌دهد (از کیا، ۱۳۹۲؛ ۱۹۹). پاسا ساخت‌گرایی بر نقش زبان در شکل‌گیری ذهنیت فردی و نهادهای اجتماعی تأکید دارد. زبان جایگاهی است که معانی در آن منزل کرده‌اند؛ معانی زبانی، نقش عمده‌ای در سازمان‌دهی خود، نهادهای اجتماعی و چشم‌انداز سیاسی ایفاء می‌کند (همانجا؛ ۲۰۱) بنابراین زبان و گفتمان‌های زبانی موثر را می‌توان جهت ساماندهی نیروهای سازمانی و نهادسازی اجتماعی به منظور کاهش آسیب‌های اجتماعی در نظر داشت.

عقاید و باورهای معنوی، و سبک زندگی با جاذبه از طریق نیروها و عناصر سرمایه‌ی فرهنگی- اجتماعی، تغییرات و روش‌هایی را در جامعه‌ی هدف ایجاد نمود تا در اصلاح و سلامت اجتماعی-روانی جامعه و لایه‌های تاثیرپذیر مانند دانشجویان، جوانان دانش آموز، و فرزندان خانواده‌ها موثر واقع بشود.

تضاد ارزش‌ها با هنجارهای اجتماعی به شدت در تحریک افراد به سوی آسیب‌های اجتماعی، و بی تفاوتی بسیاری از کارگزاران و مدعیان اجرایی جوامع موثر است. این مسأله از دیدگاه رابرت مرتن^۱ (۱۹۷۱) و بسیاری نظریه‌پردازان دیدگاه ساختی-کارکردی، مبنای تحلیل آسیب‌های اجتماعی است. جامعه و فرایند فرهنگ پذیری، ارزش‌هایی را بیان و معرفی می‌کند و حتی ترویج می‌دهد مانند: نجابت، عفت، صداقت، عدالت و انصاف، فهم و رعایت حقوق مدنی، علم دوستی، ولی هنگامی که هنجارها یا ابزارهای روشی رسیدن به این ارزش‌ها موجود و مرسوم نباشد؛ برای نمونه هنجارها و روش‌های سهل و روانی برای آن که نسل جوان و فعال بتواند به عدالت و انصاف، نجابت، علم دوستی، موفقیت اجتماعی با احساس رضایت و امیدواری برسد. از این رو جامعه مسأله‌ی محرومیت هنجاری را تجربه می‌کند. با این محرومیت هنجاری، نه تنها جامعه به آن ارزش‌ها ناباور و ناامید می‌شود بلکه رفتارهای نابهنجار و انحرافی را برای بقاء اجتماعی خود برمی‌گزیند. در چنین فضایی از چالش و فشارگازانبیری ارزش‌ها با هنجارهاست^۲ که اشخاص سرگردان و بیشتر بیکار بر ایجاد و افزایش دامنه‌ی آسیب‌های خطرناک و بدخیم اجتماعی گرایش و تمایل پیدا می‌کنند. (امام جمعه، ۱۳۸۷)

در عرصه‌ی مدیریت فرهنگی بحث کلیدی فرهنگ و تضادها فوق العاده مهم است. بدین معنا که در ساختارهای مدیریتی با چه گسل‌ها و تضادهای فرهنگی مواجه هستیم؟ از جمله‌ی چالش‌های جاری آن است که برخی ناخودآگاه عادت کرده و این گونه آموخته‌اند که در برابر بالادستان، اظهار ضعف، سکوت نابجا و گاه و بی‌گاه ذلت و

1. Merton, R.K. 1910-2003

۲. ملاحظه و تصدیق می‌نمایید که چگونه استرس‌ها و القانات پرفشاری از جنس فرهنگ، جامعه را به ورطه‌ی سنگین و سهمگین آسیب‌ها و گسترش انحرافات اجتماعی می‌کشاند. بنابراین بازنگری و کار تخصصی در باره نقش فرهنگ در آسیب‌های اجتماعی جامعه‌ی شهری بسیار مهم و ضروری است.

فرومایگی می‌نمایند. (محسنی، همان؛ ۳۶۰-۳۶۱). این مسأله، اخلاق و روحیه‌ی مسوول و توانای کیفی را در بسیاری از مدیران ارشد و میانی از بین برده و زایل می‌کند؛ ضمن آن که امر را برای مدیران بالادست نیز مشتبه نموده و از آنها چهره‌ها و تیپ‌های جابر و سلطه‌گری می‌سازد. این تضاد عواقب بسیار بدخیمی در بی تفاوتی نسبت به حقوق فرهنگی و اجتماعی نسل نو و جوان جامعه دارد. زیرا بر دامنه‌ی اجحاف‌ها و رانت خواری فاسد از یک سو و بر خوردهای کاذب بسیاری اشخاص ناتوان و تضعیف شده از سوی دیگر می‌افزاید. در چنین چالش‌هایی چگونه مدیریت‌های شهری می‌توانند نقش پویا و خدمت‌گزارانه جهت ایفای خدمات فرهنگی به منظور کاهش و تعدیل آسیب‌های اجتماعی داشته باشند. در این میان، نیروهای دل‌آگاه و بیدار دانشگاهی می‌باید سررشته‌ی کار و مسئله را بدست گرفته و به انحاء گوناگون و با برنامه‌سازی‌های مختلف و ارتباطات آگاهانه در ارتقاء مطالبات و مشارکت فرهنگی-اجتماعی جامعه‌ی شهری، بدرخشند و ایفای نقش خلاق و موثری داشته باشند تا گردونه‌ی چنین چالش‌های سنگین و ضد توسعه‌ای را شکسته و اصلاح شود.

در زمینه‌ی چالش‌ها و تضادها از مسأله و پدیده‌ی ضد فرهنگ^۱ نباید غافل شد. ضد فرهنگ در ابعاد و لایه‌های گوناگونی ظاهر می‌شود:

- ضد فرهنگ درون‌زا مانند برخی افکار و اعتقاداتی که فضای فرهنگ معنوی و ملی جامعه را به سوی تنش، تفرقه‌گرایی، زورگویی و تحقیر دیگران و آسیب‌هایی از این دست می‌کشاند. نقش تهاجم‌های درونی و سرطانی^۲ درون‌زای ضد فرهنگ، از لحاظ بحران هویت و آسیب‌زدگی کم از دخالت‌ها و سیاست‌های مهاجمانه‌ی فرهنگ‌های بیگانه‌ی سلطه‌گرا و استعماری نظام مدرن سرمایه‌داری نیست؛ و نباید کارکرد منفی و

1. Anti-culture

۲. دلیل انتخاب واژه سرطان ضدفرهنگ این است که همان بافت و سلول‌هایی که در بدنه‌ی جامعه، طبیعی و خوبند گاه آنچنان زیاد و تکثیر می‌شوند که امکان هماهنگی و تطبیق دیگر اعضاء و نهادهای فرهنگی-اجتماعی را نارسا و عقیم می‌کنند! جریان‌هایی که تنش، تفرقه و نفرت و زورگویی نامشروع و غیرقانونی ناسالم را ایجاد می‌کنند باعث و بانی ضدفرهنگ سرطانی درون جامعه و ساختارهای زیر مجموعه آن می‌شوند. **متاستاز** به انگلیسی (Metastasis)، **دگرنشینی** یا **فراگستری** به گسترش و مهاجرت سلول‌های سرطانی از یک بافت به بافت‌های دیگر، گفته می‌شود. به این نوع تومورها، **تومورهای دگرنشینی** گفته می‌شود. فرهنگستان زبان فارسی برای متاستاز واژه **دگرنشینی** را تصویب کرده و در تعریف آن آورده است: انتقال بیماری، عموماً سرطان، از نقطه‌ای از بدن به نقطه‌ای دیگر درحالی که پیوند مستقیمی میان آنها وجود ندارد.

زیان بار آن را دست کم گرفت.

- ضد فرهنگ برون‌زا مانند فرهنگ غربی استعمارگرا و یا لیبرالیستی که مروج ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ نظام سرمایه‌داری است؛ خواسته و ناخواسته همه‌ی ارزش‌ها و منابع مالی، انسانی و طبیعی را در خدمت نظام رقابتی و سلطه‌جو و سوداگر سرمایه‌داری (غربی یا شرقی) سوق داده و هماهنگ می‌کند. این رویکرد، اقبال و توافقی در استفاده از تجارب و توان‌ها و روش‌های بومی جوامع غیر غربی و اسلامی مانند جامعه‌ی ایران ندارد و به صورت‌های مختلف و دیپلماسی‌های پیچیده‌ی سیاسی، فرهنگی و رسانه‌ای سعی می‌کند رابطه‌ی مسلط و حاکمیت خود را بر جوامع بومی برقرار نموده و حفظ کند.

- ضد فرهنگ طبقاتی بالادستان و پایین‌دستان فرومایه یا لمپن، که در بالا توضیح داده شد.

- ضد فرهنگ غیررسمی^۱ مردم در برابر فرهنگ رسمی حاکم؛ ضد فرهنگ سکولار^۲ در برابر فرهنگ سنت‌گراها

این گونه تضادها بدنه‌ی نظام فرهنگی جامعه را همواره در التهاب، عدم آرامش و عدم انسجام و گاه بحران رونق و فقدان پویایی می‌کشاند. (امام جمعه، ۱۳۹۴) اگر کارشناسان و مدیران اجرایی نظام به ویژه در دانشگاه‌ها به این گونه تضادها و تعارض‌ها آگاهی و اشراف نداشته باشند، نمی‌توانند در احیای نقش‌کنش‌گر و خلاق دانشگاه‌ها جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی جامعه‌های کلان شهر امروزی موثر واقع شوند. زیرا از عوارض منفی و بحران‌های ناشی از ضد فرهنگ در ساختار فرهنگی درون و برون دانشگاه متأثر شده و با این تأثیرپذیری از آن نمی‌توانند از تمرکز و انسجام متناسبی برخوردار باشند.

چارچوب روش شناختی: روش بر طبق پژوهش از نوع بنیادی بر اساس تحلیل ثانویه از برخی منابع منتخب و بازسازی یک مبحث نوع شناسانه^۳ می‌باشد. آنچه تحلیل و ارائه می‌شود از جنس فراتجربی^۴ است - نه آن که به طور دقیق در واقعیت با مصداق شخصی و تجربی ملاحظه شود. معمول این سبک مطالعاتی، اتخاذ روش توصیفی در

1. Unofficial culture
2. Secular culture
3. Typology
4. Over-experimental

ترکیب با تحلیل ثانویه^۱ و انتقادی است، که در این مقاله به کار گرفته شده است.

۳. یافته‌ها و تحلیل

نظرات و ایده‌های اصلی مقاله در تطابق با الگوی نظری، الگو و اندیشه‌هایی را بازسازی می‌کند که ما را جهت ارتقاء خدمت ماندگار فرهنگی دانشگاه و مشارکت تخصصی و موثر آن در کاهش آسیب‌های اجتماعی در جامعه شهری دعوت نموده و فعال می‌کند. اگر در سرخط نکاتی که در چارچوب بیان شده^۲، آورده‌ایم به دقت بیاندیشیم و نیز برحسب تجربه‌ی زیسته‌ی محیط کار، هم‌اندیشی گردد^۳ می‌توان به نتایج بسیار مهم و کلیدی دست یافت. امید است در این دعوت علمی و مطالعاتی به دیده‌ی معرفت و حسن اعتماد، هم‌زبان شده و فضای گفت‌وگوهای نوبه‌نویی را با توجه به نسیت ساختارهای اجتماعی شهرهای کشور فراهم نماییم. این مهم با نقش فعال و کارآمد روشنگران مومن^۴ و پژوهشکده‌های میان‌فرهنگی و علوم اجتماعی و انقلاب دانشگاه با مشارکت واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی فراهم می‌شود.

دانشگاه ظرفیت بالایی دارد که جهت بازتولید آداب مدنی و فراسازمانی مسوولانه و انسانی به منظور همکاری و کمک به سازمان‌ها و دستگاه‌های ذیربط در خصوص کاهش بحران ناشی از آسیب‌های اجتماعی شهرها مداخله کند. تا زمانی که این واقعیت، محقق نشده و توسعه پیدا نکند، دانشگاه نمی‌تواند نقش کارآمدی در مسأله‌ی کاهش و تعدیل آسیب‌های ویرانگر جامعه داشته باشد. شاهد مثال این مسأله آن که تا چه اندازه و با چه کیفیت‌ها و دستاوردهایی از هیات علمی و دانشجویان (ارشد و دکتری) دانشگاه خواسته شده که جهت راهبردهای همیاری و همکاری با سازمان‌های متولی، بسیج شده و

1. Secondary analysis

۲. جهت تجدیدنظر و مطالعه‌ی بیشتر رجوع کنید به چارچوب نظری مقاله.
۳. با توجه به هدف این مقاله که بیشتر باز نمودن یک فضای تفکر نوین و بازاندیشانه درباره پایگاه خدمت اجتماعی دانشگاه در ساختار کلان شهرهای کشور است بنابراین، فتح باب بحث از یک بعد کیفی-راهبردی تاملی برخوردار می‌باشد، و خوانندگان را دعوت به تفکر و ارائه‌ی ایده‌های تازه جهت مشارکت دانشگاه در ارائه‌ی خدمات و توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی جامعه می‌باشد.
۴. منظور از مومن، کسانی هستند که به نقش و کارآیی‌شان برای اجرای ارزش‌های با هویت فرهنگ بومی و انسانی ایمان دارند و لحظه‌ای تردید و شک ندارند. متأسفانه دیده می‌شود روشنفکر نمایانی که به نیروهای بومی و سنتی، و سنت‌گرایی که به بسیاری از نیروهای دانشگاهی و نوگرا تردید و بی‌اعتمادی می‌ورزند؛ و این مسأله علاوه بر بیگانگی از همگرایی لازم جهت بسیج شدن برای از بین بردن آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی به شدت می‌کاهد.

مشارکت علمی موثری را ایفاء نمایند. تجربه‌ی ناظر نشان می‌دهد که دامنه‌ی این رسالت مهم، بسیار محدود بوده، مطالبات و دستاوردهای شایان توجهی به معنای بازتولید سبک‌های اندیشه و گفتگو یا نظریه‌های برجسته و معتبر داخلی و جهانی به همراه نداشته است.

این فرایند کیفی تمدن ساز، انتظاری است که تنها از عهده‌ی دانشگاه برمی‌آید. اما دانشگاه در ساختار درونی خود مواجه با مسائلی است که نمی‌تواند در نقش آفرینی خویش، موج تمدن سازی را همگام و هماهنگ کند. همان طور که وقتی بال یک هواپیما شکسته یا صدمه می‌خورد نمی‌تواند جهت انجام یک پرواز ایمن و مطمئن ایفای نقش کند.

آسیب‌ها و افت‌های نهان و آشکاری مانند: مدرک گرایی، نگرانی از کمبود منابع مالی، بحران و فقر فرهنگ کیفیت گرایی و یا گاه پول گرایی و مانند آن که در کنش برخی کارگزاران دیده شده و قابل بررسی بیشتر می‌باشد، همت و تفکر بسیاری از مدیران و مدعیان را عقیم و اتر می‌کند تا نتوانند از آن خرد ورزی پویا، خلاق و کارآفرین انسانی و مسوولانه در نقشی خودآگاه برای کاهش آسیب‌های اجتماعی فضاهای شهری مشارکت خود را عملی نمایند.

بر این اساس، طی بسیاری مصاحبه‌ها و ملاحظات میدانی، نمونه‌ها و مصادیق عدیده‌ای را تجربه می‌کنیم که در برخی در محیط دانشگاه، می‌گویند به ما چه ربطی دارد. ما گرفتاری‌های خود را حل کنیم خیلی است، چه رسد به این که بخواهیم بحران و آسیب‌های جامعه را درمان نموده و مرهم مفیدی فراهم کنیم. به ما چه ارتباطی دارد. متأسفانه، استدلال‌های منطق سوداگری و اصالت منفعت^{۱۳} همین نتیجه را تأیید می‌کند. این بینش خطرناک، دنیا و عرصه‌ی زندگی را برای بسیاری از مردم بسیار تنگ و بی برکت می‌کند؛ و لاجرم فکر و اندیشه‌ی اشخاص را تنزل داده، عاجز و ضعیف می‌کند. نهال عقل فعال و خلاق انسانی جهت کیفیت بخشی به زندگی فرهنگی و اجتماعی شهر و دانشگاه و خانواده‌ها را از ریشه می‌خشکاند، و میوه وسعت معرفت و جرات برای خدمت ماندگار و صالح را از میان می‌برد. نمونه‌های عدیده‌ای را می‌توان شاهد شد و بررسی میدانی نمود که در محیط دانشگاه نه تنها محملی برای این گونه مسائل، اختصاص نداده‌اند بلکه هستند مدیرانی که از طرح این مباحث می‌هراسند و می‌ترسند

مبادا در گیر برخی مسائل تنش‌زا و اعتراضی شده که خیال می‌کنند نمی‌توانند پاسخگو باشند. از این رو بیان می‌شود حل مسائل و آسیب‌های حاد و شکننده‌ی جامعه برای دانشگاه و بسیاری دانشگاهیان، نه تنها ارزش نیست؛ بلکه مشکل جامعه است، و چه ربطی به دانشگاه دارد.

این‌گونه تحلیل‌ها و سبک فکری بی‌طرف پوزیتیویستی^۱ و روحیه‌ی عقلانی کاسبکارانه موجب می‌شود که دانشگاه نتواند در سطح بلوغ سازمانی و فراسازمانی خویش جهت مشارکت خلاق کیفی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی که گریبان بسیاری از شهرهای کشور را فرا گرفته و محل نگرانی زعمای جامعه به ویژه مقام معظم رهبری هست، نائل بشود. از این منظر ساختار فرهنگی-ارزشی و کیفی دانشگاه نه تنها مشکل دارد بلکه نیاز به بازنگری ارزشی و نیز انقلاب در ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ کار دارد.

در بحث نظم و انضباط در فرهنگ کار دانشگاه در پیوند متقابل با سازمان‌های مسوول در مسأله‌ی آسیب‌های اجتماعی، اگرچه مراتب و افق‌هایی از تقسیم کار و کنش‌گری وظیفه‌گرا در ساختار دانشگاه شکل گرفته اما هنوز این سرمایه در فرهنگ واقعی دانشگاه، تجسد بالغ و عینیت درونی یا نهادی پیدا نکرده است. از این رو نمونه‌هایی را می‌بینیم که به شرح زیر از مصادیق فراوانی برخوردارند:

برخی مدیران در حوزه‌هایی کار می‌نمایند که تخصصی در نقش خود ندارند. به ویژه در حوزه‌ی فرهنگی-دانشجویی، نمونه‌هایی از اشخاص را داریم که مدعی فرهنگ به معنای اعم هستند ولی از دیدگاه‌ها و نظریه‌های علمی در فرهنگ‌شناسی، تحلیل و تغییر رفتار فرهنگی و نیز آگاهی حرفه‌ای در باره شناخت و حل راهبردی-کاربردی مسائل و آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه برخوردار نیستند. متأسفانه

۱. طبق مکتب پوزیتیویسم Positivism واقعیات اجتماعی و فرهنگی، همان طور که هستند پذیرفته می‌شوند، و هیچگونه مواجهه انتقادی و ارزشیابی نسبت به آنها انجام نمی‌شود. واقعیات یا هست‌ها تعیین‌کننده‌ی اخلاقیات و ارزش‌ها هم می‌شوند. برای مثال اگر در مناسبات اجتماعی، مردم به حالتی از دلالتی و استفاده‌ی ابزاری از دین و مانند آن عادت نموده‌اند با توجیه بی‌طرفی ارزشی، می‌گویند: واقعیت این است؛ و باید با مردم و در مردم، روحیه‌ی دلالتی و اخلاق دلالتی و سوداگری نتیجه‌گیری کرد و طبیعی دانست و تایید نمود.

بیشترین اختلال‌ها و کاستی‌ها را همین تیپ مدعیان ناتوان و بی عمل ایجاد می‌کنند.^۱ لذا جا دارد این گونه اشخاص، شناسایی و در فرایند بازآموزی علمی و یا ارزیابی سازمانی در عرصه‌ی تحول شغلی قرار بگیرند.

از این رو کمتر شاهد اشخاص صاحب‌نظر و دارای سبک و روش نو و کاربردی به‌لحاظ حقوقی در مطالعات آسیب‌شناسی هستیم. در واقع از قوام، دوام و انسجام این گونه افراد در قالب کانون‌های علمی و فرهنگی، آن‌طور که در توان و شایستگی دانشگاه است، استقبال و پشتیبانی نمی‌شود. زیرا حضور فعال این گونه افراد دارای رای و نظر را جزء اولویت‌های دانشگاه قرار نمی‌دهیم. حال آن‌که اگر قرار باشد دانشگاه نقش فعال و موثری در مسأله کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته باشد این امر از مهم‌ترین اولویت‌هاست. اگرچه خوشبختانه گزارش‌های آماری در خصوص نشست‌های هم‌اندیشی استادان و برخی همایش‌ها و سخنرانی‌ها را می‌بینیم اما تاکنون فراتر از آرمان‌های باارزش تبلیغاتی از دستاورد این پویاها شاهد یک بلوغ و پختگی زاینده برای تولید نظریه‌ها و روش‌های کاربردی جهت مشارکت در بستر پیشرفت تمدن اسلامی با رویکرد کاهش جدی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه نیستیم.

در مجموع مسائل فرهنگی را ملاحظه می‌نمایید از جمله:

- بحران در نظم و انضباط
 - بحران و کاستی در اطلاع‌رسانی
 - تقلیل در بلوغ فرهنگ کار در مدیریت اجرایی
 - اختلال فرهنگ معماری شهر و فضاهای امن و ناامن
 - بحران روحیه عدم همگرایی جمعی در بسیج برای بهداشت اجتماعی-روحي
- بر این اساس به نتایج راهبردی دست یافته که در قسمت بعدی بیان و اظهار نظر می‌شود.

۱. شاید به دلیل فوق‌الذکر است که کمتر شاهد پیشگامی دانشگاه در جهت ارتباط پویا و خلاق در توسعه‌ی اجتماعی مناطق بومی شهری و شهرستان‌ها می‌باشیم. حال آن‌که دانشگاه می‌تواند بانی روح کیفی‌گرایی و انسان‌سازی - در برابر کمی‌گرایی و مدل‌های تجارت مسلکانه - در مدیریت و عمران شهری باشد. اما در این عرصه دانشگاه چه ورود و چه دستاورد بارز و آشکاری داشته است؟ فراورد و محصولاتش که می‌تواند برای دانشگاه سهم بسیار بالایی از اعتبار و منزلت و سرمایه‌ی اجتماعی-اقتصادی را فراهم کند.

۴. نتیجه‌گیری

چو غنچه اگرچه فروبستگی است کار جهان
تو چون باد بهاری گره گشا می‌باش (حافظ)

در این مقاله بیشتر درباره‌ی کالبدشکافی مسأله از دیدگاه میان‌فرهنگی کوشیده و ابعاد مورد توجه و تأکید نقش فرهنگ راهبردی دانشگاه در کاهش آسیب‌های اجتماعی شهرهای کشور به ویژه در کلان‌شهرها که متأسفانه مسأله‌ی مبتلابه جامعه کنونی شده^۱ مورد تحلیل قرار داده شده است. با این هدف که موضوع را از مضمون کلی فرهنگ خارج نموده و با رویکردی راهبردی مثبت‌گرا و استفاده از ظرفیت‌های توانا و با ارزش دانشگاه بر روی چند نکته‌ی اساسی و قابل پیگیری تمرکز بشود.

اگرچه تجربه‌ی جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که دانشگاه، نهاد با فضیلتی است که نیروی انسانی تابع آن به ندرت از آسیب‌های اجتماعی حاد و تلخ جامعه استقبال می‌کند. اما باید یادآور بشویم که هنوز نتوانسته آن کارکرد فرهنگی و تمدن‌ساز را در خصوص اصلاح و توسعه‌ی اجتماعی و.. صرف‌نظر از شعارهای تک بعدی و سیاسی برخی مدیران اجرایی ایفاء نماید. دانشگاه در این راه پیشرفت از چالش‌های عمده‌ای برخوردار است که به اختصار در قسمت ارائه یافته‌ها و تحلیل بیان شد. نگارنده امیدوار است با گزارش مآخذشناسی ارائه شده در انتهای مقاله، طرح‌های پژوهشی و گفتگوهای راهبردی - بومی بر این مبنا در سطح واحدهای دانشگاهی فعال و توانای دانشگاه شکل گرفته و گسترش پیدا نماید. از این رو دانشگاه در پرتو فعالیت‌های نوآور فرهنگی و علمی می‌تواند به آن رسالت تمدن‌ساز در کاهش آسیب‌ها و افزایش ایمنی و سلامت در ساختار فرهنگ عمومی و اجتماعی کشور به نحو موثر و متعهدانه بپردازد.

از این رو طبق الگوی روش‌شناسی تیپ‌سازی آرمانی^۲ به منظور تنظیم گفتمان‌های ارتباطی-میدانی، محورها و راهبردهای پیشنهادی زیر در نظر گرفته شده است:

۱- بازنگری در قوانین و مقررات شهرداری، فرمانداری، نیروی انتظامی، بهزیستی

۱. رسیدگی به آسیب‌های اجتماعی از اولویت‌های مورد توجه نظام به ویژه تأکیدهای مقام معظم رهبری است که دستگاه‌های اجرایی کشور را موظف نموده‌اند می‌باید با تمام توان همکاری نموده تا از شدت و وخامت آسیب‌های اجتماعی بکاهند.

۲. رجوع شود به قسمت روش‌شناسی متن.

و کمیته امداد، و صدا و سیما (کل و استان)، توسط کمیته علمی که در دانشگاه فعال می‌شود، به ویژه در واحدهایی که از رشته‌های کارشناسی و ارشد حقوق و مطالعات اجتماعی و فرهنگی برخوردارند. به منظور نظارت و حمایت از کسانی که دچار آسیب‌های زیستی-روحي در اثر بسربردن در فضای شهری هستند.

۲- بازخوانی و طرح قوانین مدنی توسط کارشناسان و هیأت علمی رشته حقوق دانشگاه‌ها؛ قوانینی که به دلیل گذر زمان از یادها و نظرها دور شده ولی می‌توانند نقش به‌سزایی در نظارت کیفی و کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته باشند.

۳- اطلاع‌رسانی مداوم و مکرر این قوانین و مقررات نوین جهت ارتقاء آگاهی حقوقی و فرهنگی مردم به منظور شکل‌گیری و گسترش مطالبات قانونی و منطقی.

۴- فرصت‌سازی جهت بازنگری در عملکرد شوراهای شهر و محله و برنامه‌سازی‌های ویژه‌ی صدا و سیما استان‌ها جهت ایجاد انگیزش و علاقه مردم به منظور تقویت هویت بخشی در محله‌ها، ایجاد و رونق فضای سبز، اطلاع‌رسانی‌های بومی - محلی جهت ارتقاء آگاهی و حساسیت مردم جهت امنیت اجتماعی و عمومی، و همکاری نیروی انتظامی جهت کنترل و برخورد با اشخاص بزه‌کار و مجرم.

۵- با مداخله و هماهنگی کمیته علمی دانشگاه، آموزش و پرورش، انجمن اولیاء و مربیان بطور ویژه و بلندمدت (بالینی)، و نیز صدا و سیما، سازمان تبلیغات، ارشاد و فرهنگ اسلامی می‌توانند کلاس‌ها و نشست‌های منظم و دوره‌ای گفتگو جهت ارتقاء آگاهی قانون مدار مخاطبان (خانواده‌ها-نوجوانان، جوانان) به منظور مشارکت، همکاری و مطالبه‌ی اقشار جامعه برای حفظ، تامین و نگه‌داری از سلامت اجتماعی و محیط‌زیست شهری در ابعاد گوناگون آب و هوا، صدا، امنیت عمومی اطفال، زنان و منازل مردم در محله‌ها برگزار نمایند.

- دستگاه‌ها و مدیران موفق و پرکار در این زمینه از سوی مراجع عالی استان تشویق شوند.

- دستگاه‌ها و مدیران بی تفاوت و فاقد هر نوع گزارش کیفی مورد پیگیری و مواخذه قانونی قرار گیرند.

- دبیرخانه‌ای ستادی (کارگروه ویژه) می‌باید با معاضدت دانشگاه، مدیران اجرایی مربوط در شهرهای بزرگ (معاونت‌های بهزیستی، کمیته امداد،

استانداری ها و..) مصوبات کاربردی بیان شده در فوق را پیگیری و نتایج بررسی‌ها را در جلسات تخصصی و نیز شورای فرهنگ عمومی بنحو مکتوب و شفاهی منعکس نماید.

درباره‌ی ساختار و تعداد کارشناسان فعال در این ستاد با همکاری دانشگاه‌ها و سازمان‌های مدعو و تعیین محل استقرار این کارگروه می‌باید بررسی و تصمیم‌گیری بشود.

۶- در عرصه‌ی مشارکت هفته‌نامه‌ها و روزنامه‌های استان و شهرها فعال‌ترین نشریه در این عرصه از همکاری و اطلاع‌رسانی کیفی و چندبعدی به مردم مورد تشویق قرارگیرد.

۷- مقوله‌ی دعوت کاربرانه از سازمان‌های مردم‌نهاد جهت ایجاد نشست‌های ارتباطی گوناگون با مردم به منظور ایجاد فضای گرم و منسجم مردم‌برای:

- کاهش بی‌تفاوتی
- افزایش احساس مسئولیت مردم شهرجهت کاهش آسیب‌ها
- تشویق و انگیزش مردم به ویژه اشخاص صاحب نام و مرجع جهت اعتمادسازی
- سازمان‌های بسیار پویا و فعال که در طول هفت تا ده ماه، پیشنهادهای مناسب را ارائه بدهند، مورد تشویق و قدردانی ویژه قرار بگیرند.
- ۸- فعال‌سازی نشست‌های تخصصی توسط استادان کارآمد دانشگاه جهت بازآموزی، رشد و توسعه اطلاعات و بینش کار متولیان و نیروهای همکار در طرح جاری: نقش فرهنگ در کاهش آسیب‌های اجتماعی.
- این نشست‌ها و دعوت از استادان مشاور باید توسط ستاد مربوط که در بالا پیشنهاد داده شد، تشکیل داده بشود در موضوع‌های حرفه‌ای مربوط، این نشست‌های آموزشی می‌باید حداقل هرماه یک وعده باشد.
- جا دارد که دانشگاه مسئول مورد حمایت فرهنگی، سازمانی و بودجه‌ای لازم جهت اعمال این طرح قرار بگیرد.

- این نشست‌ها می‌تواند تأثیر فوق‌العاده‌ای جهت افزایش همکاری و یگانگی کارورزان اجرایی طرح داشته باشد؛ و به بسیاری از شبهات و نگرانی‌ها، ابهامات اجرایی و نگرانی‌هایی که ریشه در کم‌اطلاعی کارگزاران دارد، پاسخ بدهد.
- سایت فعال و مرتبطی در این زمینه طراحی و توسط ستاد مربوط با همکاری یکی از دستگاه‌های اجرایی فعال تشکیل شده و مجموعه سخنرانی‌ها و برنامه‌های در دست اقدام را اطلاع‌رسانی، و هماهنگ نماید. در فعال‌سازی این سایت می‌شود از مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد فعال نیز استفاده کرد.
- ۹- مقوله‌ی ایجاد انسجام و یک‌زبانی و هم‌اندیشی بین نمایندگان مناطق بومی و مسئولان ارشد و مدیریتی در خصوص موضوع با وساطت و نقش فعال دانشگاه نباید از نظر دور بشود.
- ۱۰- طراحی و بیان موضوع‌های پژوهشی بیشتر جهت تحلیل کاربردی نقش فرهنگ و توسعه آن در کاهش مسائل و آسیب‌های اجتماعی استان‌ها به توسط دستگاه‌های مربوط.
- بدین‌سان می‌شود از کنش‌گری خلاق و نقش‌آفرین دانشگاه آزاد اسلامی در جهت انسجام‌دهی برنامه‌های اجرایی پویا و مؤثر به منظور کاهش آسیب‌های اجتماعی در ساختارهای شهری کشور یاد نموده و ادعا کرد. امید است که این نتایج مورد امعان نظر محققان فرهنگی و نیز مسوولان و مدیران اجرایی دانشگاه‌ها و موسسات اجتماعی کشور که متولی نظارت و تعدیل آسیب‌های اجتماعی هستند، قرار بگیرد.

منابع

۱. از کیا، مصطفی و دیگران (۱۳۹۲)، توسعه و مناقشات پارادایمی جدید، تهران: انتشارات کیهان.
۲. امام جمعه، فرهاد (۱۳۹۵)، جامعه‌شناسی فرهنگی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات بهمن برنا.
۳. امام جمعه، فرهاد (۱۳۹۱)، مطالعه جامعه‌شناختی آسیب‌ها و تهدیدهای موثر بر مدیران فرهنگی استان مرکزی، اراک، منتشر نشده، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. امام جمعه، فرهاد (۱۳۸۷)، دیدگاه جامعه‌شناسی در باره نظارت اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر، اراک: نشر ستاد احیاء استان.
۵. امام جمعه، فرهاد (۱۳۹۴)، جامعه‌شناسی نظم اجتماعی و کیفیت زندگی در کلان‌شهرهای امروز، با تأکید بر کلان‌شهر صنعتی اراک.
۶. محسنی، منوچهر (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی؛ تهران، انتشارات طهوری، چاپ اول.
۷. محسنی، منوچهر (۱۳۸۶)، بررسی در جامعه‌شناسی فرهنگی ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.
8. Disertori B. et al. (1975). La psychiatrie. Sociale. Paris: ESF.
9. Merton, R.K. et al (1971). Contemporary Social Problems, New York: Harcourt Brace Jovanouich.